

بررسی وقایع جنگ ۲۰۲۲ روسیه و اوکراین

محمدحسین پورعلی اقبالی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۰۳/۳۱

چکیده

با گذشت بیش از دو سال از آغاز جنگ اوکراین، اکنون فرصت مناسبی است تا به بررسی نقاط قوت و ضعف طرفین درگیری در این جنگ پرداخته و تاثیر و تاثرات آن بر عرصه روابط بین الملل را مورد بررسی قرار داد. از آنجایی که این جنگ، اولین جنگ گسترده و طولانی مدت پس از جنگ جهانی دوم در اروپا به شمار رفته و بسیاری از ابزارهای روز دنیا در این جنگ مورد استفاده قرار گرفته، می توان نکات بدیع و بکری از وقایع این جنگ استخراج کرد که شاید نمونه مشابه این نکات را در جنگ های گذشته کمتر دیده باشیم. از این حیث، بررسی تحولات این جنگ می تواند برای هر پژوهشگر حوزه سیاسی و نظامی، مفید و ارزشمند بوده و برای تدوین راهبردهای نظامی و سیاسی کشورمان، نکات راهگشایی داشته باشد. در این مقاله کوشیده شده تا بررسی شود که اساسا دلیل آغاز این درگیری چه بوده و منافع طرفین درگیری و بازیگران خارجی در این جنگ چیست. این پژوهش از حیث روشی، ماهیتی توصیفی تحلیلی دارد و در این مقاله از روش تحلیل محتوا بهره گیری شده و استناد این مقاله به آخرین منابع موجود حول موضوع مورد بحث است.

واژگان کلیدی

جنگ، سیاست خارجی، روسیه، اوکراین.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

مقدمه

از زمان انحلال پیمان ورشو در ۱۹۹۱ تا به امروز علاوه بر اعضای سابق ورشو مانند جمهوری چک، مجارستان، لهستان و بلغارستان که به ناتو پیوستند، برخی جماهیر دیگر شوروی سابق هم مرز روسیه همچون استونی، لتونی و لیتوانی نیز عضو ناتو شده‌اند. با مطالعه رفتار روسیه در مناطق اطراف و پیرامونی خود که به نوعی خارج نزدیک آن قلمداد می‌شود با یک پیشینه تاریخی مواجه هستیم که روسیه در این مناطق همواره در پی تثبیت و نفوذ خود به منظور حداکثرسازی میزان ضریب امنیتی در مقابله با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است به صورتی که حتی بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، فدراسیون روسیه هرگونه دست‌درازی و دست‌اندازی قدرت‌های خارجی به این مناطق را نوعی تهدیدی جدی برای خود قلمداد کرده است (ابوالحسن شیرازی و جعفری فر، ۱۴۰۱). مهمترین اهداف روسیه در این مناطق را می‌توان احیاء مجدد نفوذ و سلطه روسیه بر منطقه، بسط و گسترش سلطه روسیه به سطح بین‌الملل، حفظ تمامیت ارضی کشورهای حاضر در منطقه، جلوگیری از بروز هرگونه بی‌ثباتی در مرزهای غربی روسیه، ممانعت از هرگونه تهدید، نفوذ راهبردی توسط قدرت‌های فرامنطقه‌ای در این سرزمین‌ها و مهمتر از همه این موارد، حمایت و پشتیبانی از حدود ۲۵ میلیون نفر روس تبارهایی است که در این سرزمین‌ها ساکن هستند (میری نام‌نیا و امید، ۱۴۰۱). لذا از آنجا که بحران اوکراین صرفاً جنگ بین روسیه و اوکراین نبوده و یک جنگ تمام‌عیار میان روسیه و مجموعه کشورهای غربی عضو ناتو است، یقیناً تبعات این جنگ تأثیرات فراوانی بر علم روابط بین‌الملل و نظم نوین جهانی گذاشته و نمی‌توان به تحولات این جنگ نگاهی سطحی داشت. پژوهش حاضر نیز از آنجا اهمیت می‌یابد که جنگ روسیه و اوکراین از همان هفته‌های ابتدایی پیامدهای خود را در سطوح مختلف در سراسر جهان نشان داد که برجسته‌ترین آن بحران غلات در کشورهای مختلف از جمله منطقه غرب آسیا و آفریقا بود. ضرورت انجام این پژوهش نیز در آثاری که این جنگ بر امنیت بین‌الملل بر جای گذاشته است، قابل ملاحظه است. یقیناً عدم شناخت پیامدهای این جنگ توسط بازیگران بین‌المللی، تبعات سنگین و بعضاً غیرقابل جبرانی را برای این بازیگران پدید خواهد آورد. در ادامه پژوهش حاضر می‌کوشد به شکل دقیق و علمی و به دور از جانب‌داری از هر یک از طرفین درگیری، به بررسی وقایع جنگ ۲۰۲۲ روسیه و اوکراین بپردازد.

چگونه عملیات نظامی ویژه تبدیل به جنگ شد

در ابتدای حضور نظامی رسمی روسیه در اوکراین و آغاز عملیات نظامی ارتش این کشور در خاک اوکراین، بسیاری از مقامات نظامی روسیه تصور می‌کردند که با یک عملیات نظامی محدود و به صورت برق‌آسا، می‌توان به دستاوردهای مورد انتظار در خاک اوکراین رسید و مقامات کرم‌لین خواهند توانست خواسته‌های خود را بر مقامات کیف تحمیل کنند. تصور مقامات نظامی روسیه قبل از حمله به اوکراین این بود که می‌توان مشکل اوکراین را بدون هرگونه عملیات نظامی گسترده‌ای حل کرده و قطعاً با مقاومت نظامی گسترده‌ای از جانب نیروهای نظامی اوکراین مواجه نخواهند شد (گلبوف^۱، ۲۰۲۰). الحاق موفقیت‌آمیز شبه جزیره استراتژیک کریمه به طور کامل به روسیه با کمترین تلفات نظامی ممکن، روس‌ها را به پیروزی بی‌دردسر در خاک اوکراین امیدوار کرده بود. بسیاری از تحلیلگران نظامی با شروع عملیات ویژه نظامی روسیه در اوکراین

¹ Glebov

در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲، آن را با عملیات ویژه نظامی شوروی در چکسلواکی در سال ۱۹۶۸ معروف به عملیات دانوب مقایسه کردند. منابع روسی عملیات دانوب را بزرگترین عملیات نظامی در اروپا پس از پایان جنگ جهانی دوم دانسته که طی آن ۵ کشور عضو پیمان ورشو با انجام عملیاتی برنامه‌ریزی شده در پایتخت چکسلواکی مانع از خروج چکسلواکی از کشورهای بلوک سوسیالیستی موسوم به بلوک شرق شدند (فلاحی، ۱۴۰۱). تحلیل گران نظامی هدف روسیه از آغاز عملیات نظامی فوریه ۲۰۲۲ در اوکراین را امری مشابه عملیات دانوب قلمداد کرده که مقامات روسیه طی آن قصد داشتند در مدت کوتاهی و نهایتاً ظرف چند هدف با انجام عملیات‌های دقیقی کنترل مراکز حساس اوکراین را به دست گرفته و خواسته‌های خود را بر سیاستمداران اوکراینی تحمیل کنند. به همین جهت مشاهده می‌شود که روس‌ها حتی با همکاری بلاروس برای تصرف سریع‌تر پایتخت اوکراین، نیروهای نظامی خود را از مرزهای جنوبی بلاروس وارد خاک اوکراین کرده و قصد تصرف مراکز حساس پایتخت به وسیله نیروهای هوای خود و کنترل فرودگاه‌های پایتخت به وسیله این نیروها را داشتند. به همین جهت در هفته‌های ابتدایی عملیات نظامی روسیه در اوکراین با ستون‌های طولانی از واحدهای زرهی و مکانیزه نیروهای روسی در شهرهای مختلف اوکراین مواجه بودیم که هدف این نیروها پیشروی سریع برای تصرف شهرهای اصلی اوکراین و پاکسازی سریع این شهرها توسط نیروهای اطلاعاتی و پشتیبانی بودیم (اورهان^۱، ۲۰۲۲).

تمام عملیات نظامی روسیه مطابق انتظار در حال پیشرفت بود اما امری که منجر به غافلگیری مقامات نظامی روسیه شد، مقاومت نیروهای نظامی اوکراین بود که به جرات می‌توان گفت نیروهای نظامی روسیه انتظار آن را نداشتند. اشتباه محاسباتی دیگری که مقامات نظامی روسیه مرتکب آن شدند، استفاده از تعداد محدودی از نیروهای نظامی در این عملیات بود. روسیه در حدود ۱۸۵ هزار نیروی نظامی خود را برای انجام این عملیات نظامی در نظر گرفت و با احتساب نیروهای نظامی طرفدار روسیه در دو منطقه دونتسک و لگانسک که حدود ۱۱۰ هزار نفر بودند، عملاً روسیه کمتر از ۳۰۰ هزار نیرو را وارد این عملیات کرد. در حالی که بسیج سریع نیروها در اوکراین در همان هفته اول ۱۵۰ هزار نیروی نظامی آموزش دیده که حتی بعضاً تجربه جنگ در دونباس را نیز داشتند، عملاً نیروهای نظامی روسیه را با چالشی جدی مواجه کرد. نیروهای روسی که انتظار مقاومتی جدی از سوی نیروهای اوکراینی را نداشتند، اکنون با یک ارتش ۱۵۰ هزار نفره‌ی مجهز مواجه شده بودند که شرایط را برای پیشبرد عملیات نظامی بسیار دشوار می‌کرد (عالی پور و زنگنه، ۱۴۰۱).

این در حالی بود که نیروهای روسی در ۸ جبهه مختلف وارد نبرد شده بودند و هرگز تصور ورود گسترده نظامی اوکراین را نمی‌کردند. نیروهایی که از منطقه شمال و از مرز بلاروس به قصد تصرف کیف وارد شدند، نتوانستند کیف را تصرف کرده و مجبور به عقب نشینی شدند. همچنین نیروهای دیگری که از مناطق شمالی سومی و چرنیگوف وارد خاک اوکراین شده بودند که برای تقویت سایر جبهه‌ها مجبور به عقب نشینی شدند. عملیات بزرگ هلی‌برن نیروهای هوای روسیه در فرودگاه گوستومل اوکراین در شمال غرب کیف نیز با شکست مواجه شد (رضاپور و مجیدی، ۱۴۰۰). این عملیات علارغم موفقیت تاکتیکی و تصرف کامل فرودگاه و ساختمان‌های اطراف آن توسط نیروهای روسی در نهایت به علت عدم پیشروی طبق نقشه اصلی به هدف نهایی خود یعنی ایجاد سربل هوایی گوستومل برای فاز دوم عملیات عظیم هوای روسیه برای تصرف فرودگاه کیف

¹ Orhan

نرسید. طبق نقشه اصلی، قرار بود همزمان با پیاده شدن نیروهای هواپرد در فرودگاه و آغاز پاکسازی، ۱۸ فروند هواپیمای ترابری ایلوشین IL-76 نیروی هوایی روسیه از شهر پسکوف به پرواز درآیند و بیش از هزار نفر نیرو و ده‌ها عراده ادوات زرهی هواپرد را به این فرودگاه برسانند، اما به دلیل غافلگیری مقامات نظامی از بسیج سریع نیروهای اوکراینی و استقرار سریع توپخانه اوکراین در اطراف این فرودگاه، فرماندهی روسیه از انجام فاز دوم عملیات صرف نظر کرد و کل عملیات به شکل ناقص صورت گرفت. پس از این اتفاق نیروهای روسی مجبور به ترک این فرودگاه و عقب نشینی شدند. در جبهه خارکف نیز موفقیتی به دست نیامد و پیشروی ستون نیروهای زرهی روسیه در این منطقه متوقف شد. نیروهای نظامی دو بخش جدایی طلب دونتسک و لگانسک نیز به دلیل استحکامات چند لایه و پیچیده نیروهای اوکراینی در این منطقه که از سال ۲۰۱۴ توسط ناتو ساخته شده بود عملاً نتوانستند موفقیت قابل ملاحظه‌ای کسب کنند. عملکرد درخشان پدافند هوایی اوکراین در روزهای آغازین عملیات نظامی نیز مانع از پشتیبانی هوایی جنگنده‌های روسی از نیروهای زمینی خود شد (لین و همکاران، ۲۰۲۳).

اما بزرگترین موفقیت ارتش روسیه در مناطق جنوبی به دست آمد. جایی که نیروهای نظامی روسیه از شبه جزیره کریمه وارد خرسون و بخش‌های جنوبی زاپروژیه شده و بدون مقاومت گسترده‌ای، این مناطق را به کنترل خود درآوردند. اما دو مانع اصلی بر سر پیشروی این نیروها در دو منطقه ماریوپل و نیکولایف به وجود آمد. هدف این نیروها ورود به شهر نیکولایف و پس از آن تصرف اودسا بود که در این امر توفیقی به دست نیاوردند و با مقاومت نیروهای اوکراینی در نیکولایف نتوانستند به پیشروی خود ادامه دهند. کشتی‌های نظامی روسیه نیز که در دریای سیاه قصد انجام عملیات داشتند، مین‌های دریایی و موشک‌های ضد کشتی نپتون اوکراینی را مانعی جدی در سر راه خود دیده و نتوانستند در این منطقه موثر ظاهر شوند (کولیوند و ستاری خواه، ۱۴۰۲).

با طولانی شدن عملیاتی که قرار بود نهایتاً ظرف چند هفته به اتمام برسد، شرایط برای روس‌ها پیچیده‌تر نیز شد. روسیه وارد جنگی گسترده با دشمنی آماده شده بود که اکنون تمام کشورهای غربی در حال ارسال تسلیحات به او بوده و همچنین با وضع تحریم‌های بی‌سابقه توسط این کشورها بر علیه روسیه، شرایط سختی برای مردم و مقامات روسیه در حال رقم خوردن بود (طهماسب زاده، ۱۴۰۱).

اما به طور کلی می‌توان گفت که سخت‌ترین شرایط برای نیروهای روسی مستقر در جبهه کیف رقم خورد. بخشی از نیروهای مسلح فدراسیون روسیه در جنگل‌ها و دشت‌ها اطراف اوکراین بدون هیچ چشم‌انداز مشخصی مستقر شده بودند. خطر جدی برای این نیروها قطع ارتباط با واحدهای مستقر در مناطق چرنیگوف و سومی و همچنین قطع پشتیبانی از این نیروها از سوی مرزهای روسیه و بلاروس به وسیله نیروهای اوکراینی بود. از طرفی تعداد این نیروها برای تصرف کیف نیز کافی نبود و در واقع شرایط خاصی برای این نیروها به وجود آمد که نه راه پیش داشتند و نه راه پس. تنها چیزی که شرایط را برای این نیروها به شرایط حادی تبدیل نکرد، حضور سربازان اوکراینی در جبهه‌های مرزی و عدم تمرکز بر این نیروهای مستقر در اطراف کیف بود که همین امر منجر به خروج این نیروها از وضعیت بحرانی شد. اما قطعاً اگر نیروهای اوکراینی از

آمادگی بیشتری برخوردار بوده و نیاز به تقویت مناطق مرزی از سوی فرماندهی اوکراین احساس نمی‌شد، شرایط بسیار سختی برای نیروهای مستقر در این جبهه رقم می‌خورد که حتی می‌توان آن را با تلفات سنگین ارتش سرخ شوروی در نبرد ورشو در سال ۱۹۲۰ مقایسه کرد، یعنی حدود ۱۵ تا ۲۰ هزار کشته و بیش از ۳۰ هزار مجروح، به همین دلیل نیروهای روسی مستقر در مرزهای شمالی تقریباً از اواسط مارس ۲۰۲۲ از مناطق کیف، سومی، چرنیگوف و شمال خارکوف خارج شده و خروج این نیروها تا ۵ آوریل همان سال از این مناطق تکمیل شد (فرهودی زرنق، ۱۴۰۱). اصلی‌ترین هدف این نیروها تصرف کیف بود و از آنجایی که این نیروها در این امر توفیقی کسب نکردند، فرماندهی نظامی روسیه برای جلوگیری از تلفات نیروهای خود در این منطقه، اقدام به تخلیه این مناطق کرد. اما در مذاکرات صلح استانبول، مقامات روسیه خروج این نیروها از مناطق شمالی را اقدامی برای اثبات حسن نیت خود عنوان کردند. خروج نیروهای روسیه از پایتخت کیف اما کمکی به پیشرفت مذاکرات صلح استانبول نکرد. شماری از تحلیلگران مانع تراشی بازیگران غایب در مذاکرات استانبول خصوصاً بوریس جانسون، نخست وزیر انگلستان را مانع جدی به سرانجام رسیدن مذاکرات صلح در استانبول عنوان کردند (جنیدی^۱، ۲۰۲۲).

کیف خروج نیروهای نظامی روسیه از شمال اوکراین را یک پیروزی بزرگ دانسته و آن را حاصل مقاومت نیروهای خود در برابر نیروهای دشمن دانسته و همین امر منجر به افزایش روحیه سربازان اوکراینی شده و آن‌ها با هدف خروج کامل نیروهای روسی از استان‌های تصرف شده با روحیه‌ای مضاعف به سمت مناطق مرزی رهسپار شدند. پس از این اتفاق، شرایط برای نیروهای روسیه پیچیده‌تر نیز شد. چرا که حمایت‌های سیاسی، اجتماعی و نظامی کشورهای غربی بعد از این وقایع به اوج خود رسید و ارسال تسلیحات به مناطق درگیری با روسیه توسط کشورهای غربی سرعت گرفت. در ۹ می ۲۰۲۲، کنگره آمریکا حتی قانون دفاع از دموکراسی اوکراین^۲ را تصویب کرد که مطابق این قانون رئیس جمهور آمریکا اختیار نامحدودی برای قرض یا اجاره دادن تسلیحات نظامی به نیروهای اوکراینی برای دفع حملات نیروهای روسی را به دست می‌آورد. در واقع این قانون روند بوروکراسی مرسوم در نظام حقوقی ایالات متحده را دور زده و رئیس جمهور ایالات متحده با سرعت بیشتری می‌توانست تسلیحات مورد نیاز نیروهای اوکراینی را به جبهه‌های درگیری ارسال کند. پیشینه این قانون به جنگ جهانی دوم بازمی‌گردد که طی آن دولت وقت آمریکا موفق شد به سرعت تسلیحات مورد نیاز همپیمانان خود را به مناطق درگیری ارسال کرده و به این ترتیب همپیمانان خود را در نبرد با کشورهای متخاصم یاری کند (میری نام‌نیا و امید، ۱۴۰۱). این قانون در ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۳ به پایان رسید و تلاش مضاعف دیپلمات‌های اوکراینی برای تمدید این قانون راه به جایی نبرد. پس از تصویب این قانون توسط ایالات متحده، کشورهای غربی نیز با هدف ضربه زدن به حاکمیت روسیه و تحمیل یک شکست استراتژیک بر حکومت روسیه و حتی تغییر قدرت در این کشور، اقدام به حمایت‌های گسترده نظامی و اقتصادی از اوکراین کرد و چالش‌های روسیه در خارج از مناطق نظامی در عرصه دیپلماسی به اوج خود رسید (لیم و همکاران^۳، ۲۰۲۲).

¹ Junaedi

² Ukraine Democracy Defense Lend-Lease Act of 2022

³ Lim et al

چالش‌های دیپلماتیک روسیه با غرق شدن رزمناو موشکی ماسکوا در ۱۴ آوریل در دریای سیاه همراه شد. غرق شدن این رزم ناو که از آن به عنوان گل سرسبد ناوگان دریایی روسیه در دریای سیاه یاد می‌شد، ضربه سنگین دیگری به روسیه بود که عملاً مقامات نظامی این کشور را وارد چالش‌های جدیدی در جنگ می‌کرد. مجموع این اتفاقات منجر به بازنگری مقامات روسیه در طرح خود برای ادامه جنگ در اوکراین شد. مقامات نظامی روسیه که نیروهای خود را از مناطق شمالی اوکراین خارج کرده بودند، این نیروها را به منظور تثبیت مناطق به کنترل درآمده در دو استان لگانسک و دونتسک، تصرف مناطق باقی مانده از این دو استان و تحکیم خطوط درگیری در این مناطق، وارد دو استان یاد شده کردند. همچنین حمله نیروهای روسیه به منطقه ایزیوم در استان خارکف در ماه آپریل تشدید شد. هدف این تهاجم تصرف شهر اسلاویانسک از طریق ایزیوم و پس از آن محاصره نیروی نظامی اوکراینی مستقر در شهر سوردونتسک بود که این امر ضربه سنگینی به نیروهای اوکراینی وارد می‌آورد. همچنین یک تهاجم گسترده‌تر نیز به منطقه زاپروژیه در جبهه جنوبی پیشبینی شده بود (جنیدی، ۲۰۲۲). مطابق برنامه این حملات آغاز شد اما مشکل اصلی نیروهای روسیه کمبود تجهیزات و نیروی انسانی بود. همین امر منجر به این شد که بخشی از گردان‌ها برای تکمیل تجهیزات و نیروی انسانی خود عقب نشینی کرده و دوباره به خطوط مقدم بازگردند. همین امر منجر به کاهش نیروهای حاضر در این خطوط مقدم شد که بعضاً با چالش‌های زیادی برای نیروهای باقی مانده همراه می‌شد (نوروزی و سیف، ۱۴۰۲).

از طرفی در مارس ۲۰۲۲، موج سوم بسیج عمومی در اوکراین اعلام شد که این امر مطابق پیشبینی مقامات اوکراینی منجر به این می‌شد که تا پایان ماه می تعداد سربازان اوکراینی به ۶۰۰ هزار نفر برسد. اگر پیشبینی مقامات اوکراین از بسیج عمومی خود تحقق پیدا می‌کرد، نیروهای اوکراینی برتری عددی قابل ملاحظه‌ای نسبت به نیروهای ارتش روسیه، جدایی طلبان دونتسک و لگانسک و نیروهای واگنر پیدا می‌کردند و این شرایط را برای نظامیان روسیه به شدت سخت می‌کرد (لین و همکاران، ۲۰۲۳).

در مرحله اول درگیری‌ها، یکی از مناطقی که نبرد بر سر آن به طول انجامید و سیطره بر آن برای طرفین درگیری بسیار مهم بود، شهر استراتژیک ماریوپل بود. نبرد بر سر کنترل این شهر از ۲ مارس ۲۰۲۲ آغاز شد و تا ۱۶ می ادامه پیدا کرد. حدود ۳۰ هزار نفر از نیروهای روسیه در این منطقه متمرکز شدند و تلاش برای کنترل این شهر عملاً امکان پیشروی در سایر مناطق در جبهه دونتسک و جنوب را از روسیه گرفت. تهاجم نیروهای نظامی روسیه در جبهه ایزیوم نیز به دلیل برتری عددی نیروهای اوکراینی به کندی پیشرفته و طرح محاصره نیروهای اوکراینی حاضر در سوردونتسک با مشکل مواجه شد (اورهان، ۲۰۲۲). در ماه می و پس از تلفات سنگین نیروهای روسی در تلاش برای عبور از رود سیورسکی دونتسک در نزدیکی شهر بیلوگوریوکا، مقامات روس به این نتیجه رسیدند که روش‌های سنتی و کلاسیک جنگ در این کارزار کاربردی نداشته و جز تلفات چیزی عاید نظامیان روس نخواهد کرد. به همین دلیل در ابتدای ژوئیه ۲۰۲۲ و پس از تصرف شهر لیسچانسک توسط نیروهای روسیه، عملیات‌های تهاجمی روسیه در خاک اوکراین متوقف شد و صرفاً نیروهای روسی برای تثبیت مناطق تصرف شده، در خطوط مقدم درگیری باقی ماندند. در این برهه زمانی، تقریباً تمام استان لگانسک به کنترل نیروهای روسی درآمده و نیز حضور نیروهای روسیه در بخش شرقی منطقه خارکف نیز تثبیت شد. اما نیروهای اوکراینی موفق شدند مناطق

زیادی از منطقه دونتسک را در اختیار خود داشته باشند. اوکراین نیز با ادامه فراخوان بسیج عمومی خود، نیروهای بیشتری را وارد مناطق درگیری کرد (هدایتی شهیدانی و آذین، ۱۴۰۲).

شکست تدابیر نظامی روسیه در مواجهه با نیروهای نظامی اوکراین

با شروع تابستان ۲۰۲۲، حالا اوکراین به شمار قابل توجهی از تجهیزات غربی مجهز شده بود. از طرفی کمک‌های اطلاعاتی غرب به اوکراین، برتری اطلاعاتی قابل توجهی را برای اوکراینی‌ها به وجود آورده بود که نیروهای اوکراینی از این طریق توانسته بودند بسیاری از نقشه‌های نیروهای نظامی روسیه را از قبل شناسایی کرده و با آن مقابله کنند (عالی پور و زنگنه، ۱۴۰۱). بسیاری از ماهواره‌های غربی و شرکت‌های سازنده این ماهواره‌ها با در اختیار گذاشتن نقشه‌های هوایی و امکانات شناسایی گسترده، کمک شایانی در زمینه اطلاعاتی به نیروهای اوکراینی کردند. این امر منجر شده بود که نظارت واحدهای اطلاعاتی اوکراینی بر واحدهای روسی به صورت تمام وقت و تقریباً در لحظه انجام شود. در این جنگ، سیستم اینترنت ماهواره‌ای استارلینک شرکت SpaceX به کمک نیروهای اوکراینی آمد و کمک شایانی به نیروهای اوکراینی در انتقال داده و انتقال اطلاعات کرد و عملاً به روزترین تکنولوژی‌های روز دنیا را وارد عرصه نظامی کرد (درج، ۱۴۰۱). استارلینک با توانایی‌های منحصر به فرد خود نظیر دسترسی مناسب به اینترنت با سرعت بالا در هر نقطه، توزیع جریان اطلاعات به تعداد بالایی از افراد و امکان برقراری ارتباط اینترنتی حتی در حال حرکت که به وسیله آن می‌شد حتی ربات‌ها و تجهیزات بدون سرنشین را در هر نقطه‌ای کنترل کرد، عملاً شرایط بسیار مناسبی برای ارتش اوکراین فراهم کرد. با استارلینک هر واحد نظامی از هر نقطه‌ای توان اتصال به اینترنت و تبادل اطلاعات نظیر پخش ویدئو به صورت زنده و مکالمه با نیروها در سایر نقاط با سرعت بسیار بالا و غیر قابل هک شدن و رمزنگاری را فراهم می‌کرد. در واقع، هر «واحد» رزمی و هر سلاحی، زمانی که به استارلینک متصل می‌شد، به یک واحد شبکه محور با قابلیت تعیین هدف، هدایت و فرمان در لحظه و دقت بالا تبدیل می‌شد (چن و فرارا^۱، ۲۰۲۳).

تجهیز ارتش اوکراین به تسلیحات مدرنی نظیر توپخانه دوربرد ۱۵۵ میلی‌متری و سامانه‌های موشکی هیمارس (HIMARS) و MLRS مجهز به موشک‌های بسیار دقیق GMLRS با برد ۹۰ کیلومتر، چهره جدیدی به نبرد دو کشور داده و شرایط جنگ را برای نیروهای اوکراینی به شکل ملموسی بهبود بخشید. ترکیب ابزار شناسایی، تعیین هدف، ارتباطی، کنترل و انتقال داده با این تسلیحات جدید اعطایی از سوی ایالات متحده، منجر به فراهم شدن امکانی برای طرف اوکراینی شد که نیروهای این کشور بتوانند از اواخر ژوئن ۲۰۲۲، به برتری آتش و توانایی حمله دوربرد با دقت بالا دست یابند. وقوع پی در پی این مسائل، شرایط را روز به روز برای نیروهای مسلح روسیه دشوارتر می‌کرد (هدایتی شهیدانی و آذین، ۱۴۰۲).

نیروهای اوکراینی با تجهیز به سامانه هیمارس و موشک GMLRS حالا توانایی این را داشتند که به مقرهای نظامی و انبارهای تسلیحاتی ارتش روسیه حمله کنند. به همین دلیل نیروهای روسی مجبور شدند تا ذخایر مهمات خود در در قسمت‌های دورتری از مرز با نقاط درگیری مستقر کنند. حتی در مواردی روس‌ها ناچار شدند، انبار تسلیحات خود را به داخل خاک روسیه منتقل کنند. کمبود نیروهای مسلح روسیه در خطوط درگیری نسبت به نیروهای اوکراینی و همچنین تسلیح نیروهای

¹ Chen & Ferrara

اوکراینی به تسلیحات مدرن آمریکایی، در نهایت سبب شد تا نیروهای اوکراینی بتوانند حمله موفقی به منطقه خارکف داشته و نیروهای روس را در سپتامبر ۲۰۲۲ مجبور به عقب نشینی از مناطق شرقی خارکف کنند. اما فرماندهان روسی با استقرار بخشی از نیروهای جدید خود در منطقه لوگانسک، مانع از تداوم پیشروی نیروهای اوکراینی شدند (فرهودی زرنق، ۱۴۰۱). عقب نشینی نیروهای روسیه از منطقه خارکف در سپتامبر ۲۰۲۲، تبدیل به اولین موفقیت جدی نیروهای اوکراینی از ابتدای جنگ شد. همین مسئله منجر شد تا مقامات مسکو نسبت به سیاست‌های نظامی خود در قبال مسئله اوکراین تجدید نظر کنند. به همین دلیل سرانجام در ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲، ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، فرمان بسیج نسبی را برای اولین بار در دوره پسا شوروی اعلام کرد. در این فرمان حدود ۳۰۰ هزار نفر برای حضور در جبهه جنگ با اوکراین فراخوانده شدند. همچنین به نیروهای واگنر نیز اجازه فراخوان نیرو داده شد تا بتوانند افراد جدیدی را به گروه خود ملحق کنند. در این زمان سران گروه واگنر اقدام به استخدام شمار زیادی از زندانیان روسیه کرد. بازشدن دست واگنرها در استخدام نیروهای جدید، شمار افراد حاضر در این گروه در ژانویه ۲۰۲۳ را به ۵۰ هزار نفر رساند (اورهان، ۲۰۲۲).

اوکراینی‌ها، سرخوش از پیروزی در منطقه خارکف و عقب‌راندن گسترده نیروهای روسیه از این منطقه، به دنبال تداوم پیروزی خود بوده و قصد داشتند با ادامه حملات غافلگیرکننده خود، مناطق بیشتری را از اختیار روس‌ها خارج کنند. مقامات اوکراینی در پائیز سال ۲۰۲۲ خود را در اوج قدرت و برخورداری از حمایت غرب دیده و به دنبال تحمیل شکستی بزرگ بر نیروهای روس بود. اوکراینی‌ها در ادامه برای ضد حملات خود دو سناریو را مطرح کردند. ۱- پیشروی در منطقه لگانسک ۲- پیشروی در زاپروژیه (ژو و همکاران^۱، ۲۰۲۳).

در مورد سناریوی اول، با توجه به نزدیکی این منطقه به خاک روسیه و امکان پشتیبانی گسترده و لجستیک سریع نیروهای روس در این منطقه، عملاً این گزینه، گزینه جذابی برای ضد حمله به حساب نمی‌آمد و مشکلات زیادی را برای نیروهای اوکراینی به وجود می‌آورد. اما در خصوص سناریو دوم، اوکراین با پیشروی در جبهه جنوب و تسلط بر مناطقی از زاپروژیه، می‌توانست ارتباط روس‌ها با منطقه خرسون را قطع کرده و سپس به دلیل دور بودن این مناطق از مرز روسیه و دشوار بودن لجستیک نیرو و انتقال امکانات توسط روس‌ها به این منطقه، در مرحله بعد نیروهای اوکراینی می‌توانستند تا مناطق شرقی‌تر زاپروژیه پیشروی کرده و حتی به دریای آزوف برسند و در نهایت نیز از این طریق به کریمه ورود پیدا کنند (کولیوند و ستاری خواه، ۱۴۰۲). در خصوص این سناریو باید گفت با این که سناریوی مطرح شده به ظاهر سناریوی مفید و سودمندی به نظر می‌رسید که پیروزی بسیار بزرگی را برای نیروهای اوکراینی به همراه داشت، اما فرماندهان نظامی اوکراینی در نهایت به این جمع‌بندی رسیدند که همانگونه که ممکن است این عملیات با پیروزی بسیار بزرگی برای طرف اوکراینی همراه شود، اما ممکن است این عملیات بسیار بلند پروازانه بوده و با شکستی گسترده برای اوکراینی‌ها همراه شود و اوکراینی‌ها نه تنها نتوانند به مناطق مورد نظر خود دست یابند، بلکه تلفات گسترده نیروهای نظامی اوکراین در این عملیات منجر به از دست دادن مناطق گسترده‌تری از خاک اوکراین شود (گلبوف، ۲۰۲۰). فلذا در نهایت مقامات اوکراینی هیچکدام از این دو سناریو را پیش نبرده و سناریوی سومی را مطرح کردند. آن‌ها به جای تهاجمی گسترده و با اهدافی استراتژیک، تهاجمی

¹ Zhou et al

محدودتر و با اهداف تاکتیکی را انتخاب کردند. بر اساس این سناریو، اوکراینی‌ها تصمیم گرفتند روس‌ها را از منطقه خرسون خارج کرده و از این منطقه پیشروی خود را ادامه دهند. به این ترتیب، نیروهای اوکراینی در ابتدا به وسیله موشک‌های GMLRS چندین پل بر روی رود دنیپر را که نیروهای روس از طریق آن جا به جا می‌شدند، مورد هدف قرار دادند. اما با افزایش نیروهای نظامی روسیه در منطقه خرسون، عملاً تهاجمات اوکراین به مواضع روسیه در این منطقه بی‌اثر شده و با خسارات گسترده‌ای برای نیروهای اوکراینی همراه شد. تا انتهای نوامبر ۲۰۲۲، حملات نظامیان اوکراینی به این مناطق با موفقیت چشمگیری همراه نشد. با این حال، آسیب به پل‌های رود دنیپر، امکان پشتیبانی از نظامیان روس در منطقه خرسون را دشوار کرده و در نهایت به ابتکار ژنرال سرگئی سورویکین، فرمانده کل نیروهای روسیه در اوکراین، در نهم نوامبر، نیروهای روس ظرف دو روز، به صورت کاملاً محرمانه و بدون تلفات، از شهر خرسون خارج شده و در منطقه شرقی ساحل رود دنیپر مستقر شدند (خدایکولوا و همکاران^۱، ۲۰۲۲).

عقب نشینی نیروهای روسیه از منطقه خرسون بدون تهاجم اوکراینی‌ها و بدون تحمیل خسارت به نیروهای اوکراینی، به یک پیروزی گسترده و ارزشمند برای اوکراینی‌ها تبدیل شد. عقب نشینی نیروهای روسیه از خرسون و نیز عقب نشینی آن‌ها از منطقه خارکف، متحدان غربی اوکراین را نسبت پیروزی اوکراین در ادامه جنگ امیدوار کرده و آن‌ها را به سرمایه‌گذاری تسلیحاتی بیشتر در اوکراین ترغیب کرد. به همین دلیل، از اواخر سال ۲۰۲۲، کمک‌های تسلیحاتی غرب به اوکراین به شدت افزایش یافت (ژو و همکاران، ۲۰۲۳). در همین مقطع، شاهد ارسال اولین محموله‌های تانک و خودروهای جنگی پیاده نظام به اوکراین بودیم. یک برنامه آموزشی نظامی برای ۱۲ تیپ اوکراینی نیز در کشورهای غربی برنامه‌ریزی شد. مقامات نظامی اوکراین با دریافت گسترده تجهیزات و نیروهای انسانی، شروع به افزایش پتانسیل رزمی و قدرت نیروهای مسلح خود کرده و اقدام به گسترش تشکیلات نظامی اوکراین کردند. همین امر منجر شد که تا بهار سال ۲۰۲۳، تعداد نیروهای دفاعی اوکراین از مرز یک میلیون نفر نیز عبور کند (قریشی و همکاران^۲، ۲۰۲۲).

در مقابل، فرماندهی نظامی روسیه، پس از اعلام فرمان بسیج نسبی و افزایش تعداد نیروهای مسلح خود، به تجهیز مناطق مرزی و افزایش تعداد نظامیان خود در این مناطق پرداخت و گردان‌های جدیدی از نیروهای تازه نفس را ایجاد کرد. پیشینی می‌شد که بر اثر فرمان بسیج نسبی، نیروهای نظامی حاضر در نبرد اوکراین تا آخر سال ۲۰۲۲ به یک و نیم میلیون نفر برسد. افزایش تعداد نیروهای روسیه، مقامات نظامی این کشور را میان دو سناریو مردد کرد؛ حمله خوش بینانه و دفاع محتاطانه. مطابق سناریوی حمله خوشبینانه، در نوامبر ۲۰۲۲، نیروهای نظامی روسیه حمله‌ای را در جهت سولدار - باخموت آغاز کردند (کولایی و زنگنه، ۱۴۰۲). در این تهاجم، نیروهای واگنر نقش اساسی را ایفا کردند. در نتیجه این حمله، در ۱۰ ژانویه ۲۰۲۳، شهر سولدار به کنترل نیروهای نظامی روسیه درآمده و پس از درگیری‌های شدید، سرانجام در ۲۰ می، باخموت نیز به کنترل نیروهای روسیه درآمد. بر اساس این سناریو که تقریباً شش ماه به طول انجامید، نبردهای سنگین نیروهای روسیه با ارتش اوکراین، با پیشرفت کمی در تصاحب ارضی همراه بوده و این تهاجمات، با تخریب کامل شهرهای فتح شده همراه بود. این سناریوی جدید به سرعت در حال پیاده شدن در خطوط نبرد بود. در پایان زمستان و آغاز بهار ۲۰۲۳، نیروهای

¹ Khudaykulova et al

² Qureshi et al

روسی تلاش کردند تا یک سری حملات منطقه‌ای را در شهر مارینکا در نزدیکی شهر دونتسک انجام دهند، اما این حملات با سد دفاعی مستحکم نیروهای اوکراینی مواجه شد و دستاورد چندانی برای نیروهای روسیه به همراه نداشت (فلاحی، ۱۴۰۱). مجموع این عوامل سبب شد تا فرماندهان نظامی روسیه در سناریوی حمله خوش‌بینانه خود تجدید نظر کرده و منطقی‌ترین موضع را انتخاب کنند که بر اساس آن، ارتش روسیه در ادامه نبرد به استراتژی دفاع محتاطانه روی آورد. به همین جهت از اوایل بهار سال ۲۰۲۳، ساخت و ساز گسترده زنجیره‌ای از مواضع و استحکامات میدانی به نام خط سورویکین در سمت مواضع نیروهای روسی آغاز شد و روس‌ها اقدام به ذخیره تجهیزات مورد نیاز خود در این مناطق کردند. برای تکمیل کادر نظامی روسیه در خطوط درگیری با نیروهای اوکراینی نیز، طرحی برای جذب ۴۲۰ هزار سرباز قراردادی در ارتش روسیه ارائه شد که حقوق و مزایای بالای ذکر شده در این طرح، منجر به جذب شمار زیادی از نیروهای قراردادی به ارتش روسیه شد (بویکو^۱، ۲۰۲۰).

اوکراین و از دست دادن آخرین فرصت‌های پیش رو

در ابتدای سال ۲۰۲۳، نیروهای اوکراینی، فرصت زیادی برای پیروزی در خطوط درگیری داشتند. ارتش روسیه به دلیل کمبود نیروی انسانی و تجهیزات نظامی، در این مقطع از جنگ دچار چالش‌های اساسی شده بود. استفاده ارتش روسیه از مهمات باقی‌مانده از دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ ساخته شده توسط اتحاد جماهیر شوروی، در ابتدای جنگ برای نیروهای روسیه کارساز بود، اما قطعاً روس‌ها برای ادامه جنگ به سلاح‌ها و تجهیزات بیشتری نیاز داشتند، خصوصاً تجهیزاتی که توان رقابت با تجهیزات مدرن اهدایی غرب به اوکراین را داشته باشند. در اواسط زمستان ۲۰۲۳، آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا (DIA) با افشای اسنادی اعلام کرد که روسیه در حدود ۴۱۹ تانک، ۲۹۲۸ خودروی زرهی و ۱۲۰۹ سامانه توپخانه در حال استفاده در جنگ اوکراین دارد (لیم و همکاران، ۲۰۲۲). این در حالی است که بر اساس همین اسناد منتشر شده، در همان مقطع زمانی، نیروهای مسلح اوکراین دارای ۸۰۹ تانک، ۳۴۹۸ خودروی زرهی و ۲۳۳۱ سامانه توپخانه‌ای بودند. این مطلب حاکی از ضعف کمی جدی تجهیزات نظامی روسیه در مقابل تجهیزات نظامی اوکراین بود. به همین دلیل، به نظر می‌رسد سه ماه ابتدایی سال ۲۰۲۳، بهترین فرصت برای نیروهای مسلح اوکراین بود تا از برتری خود نسبت به نیروهای روسی استفاده کرده و به مواضع آن‌ها ضربه بزنند (رضاپور و مجیدی، ۱۴۰۰). با این حال، فرماندهان اوکراینی منتظر رسیدن اقلام نظامی بیشتری از جانب غرب بوده و در انتظار بازگشت تیپ‌های اعزام شده به غرب بودند. اما در جبهه مقابل، نیروهای روسی در حال تجدید قوا و توازن قوا با نیروهای اوکراینی بوده و از تعلل فرماندهان اوکراینی نهایت بهره را بردند. ورود تجهیزات غربی به عرصه نبرد اوکراین و کارکرد حیرت‌انگیز این تجهیزات در ماه‌های ابتدایی ورودشان به عرصه نبرد، مقامات اوکراینی را مسحور خود کرده بود. رضایت مقامات اوکراینی از تجهیزات ارسالی غرب و نیز پشتیبانی فنی و اطلاعاتی این کشورها از اوکراین، شرایطی را فراهم آورده بود که فرماندهان اوکراینی را به پیروزی در جنگ مطمئن کرده بود. به همین دلیل در آن مقطع زمانی، فرماندهان نظامی اوکراینی بدون توجه به فعالیت‌های لجستیکی روسیه، با خیالی آسوده منتظر رسیدن بسته‌های حمایتی جدیدی از غرب بودند. مارس، آوریل و می ۲۰۲۳ به رفت و آمد مقامات غربی به اوکراین و وعده حمایت بیشتر از

¹ Boiko

این کشور گذشت و سرانجام در ابتدای ماه ژوئن، نیروهای اوکراینی حملات نظامی خود به محورهای درگیری را مجدداً از سرگرفتند (نوروزی و همکاران، ۱۴۰۱). در چهارم ژوئن ۲۰۲۳، نیروهای اوکراین حملات خود را در جهت زاپروژیه آغاز کردند. همانطور که پیشتر نیز ذکر شد، هدف نیروهای اوکراین از حمله به این منطقه، پیشروی تا دریای آزوف، قطع اتصال لجستیکی نیروهای روسیه با منطقه خرسون و در نهایت ورود به کریمه و تصرف آن بود. اما نیروهای روسیه به شدت خود را برای این سناریو آماده کرده و به همین دلیل، نیروهای روسی بیشترین استحکامات و نیروهای خود را در این منطقه مستقر کرده و از آمادگی بالایی در این منطقه برخوردار بود. همزمان با حمله به زاپروژیه، نیروهای اوکراینی حمله‌ای را نیز برای بازپس‌گیری شهر باخموت طراحی کردند و شماری از با تجربه‌ترین تیپ‌های نظامی خود را در این جبهه مستقر کردند. این در حالی بود که در جبهه جنوب، بیشتر تیپ‌ها، تیپ‌های تازه نفس آموزش دیده در غرب بودند. پراکندگی نیروهای اوکراینی در دو جبهه متفاوت در آن مقطع زمانی، مقامات پنتاگون را دچار حیرت کرد، چرا که بهترین سناریو برای اوکراین، اقدام به ضد حمله‌ای گسترده در یک جبهه درگیری و آن هم منطقه زاپروژیا بود که به دلیل اهمیت بالای استراتژیکی که این منطقه داشت، ضد حمله موفق‌آمیز در آن، منجر به بروز تحولات گسترده‌ای در آینده درگیری‌ها می‌شد (ابوالحسن شیرازی و جعفری فر، ۱۴۰۱).

تاخیر در انجام ضد حمله، عدم غافلگیری روس‌ها از ضد حمله اوکراین، پراکندگی نیروهای حمله‌کننده در دو جبهه و حس غرور کاذب فرماندهان اوکراینی همگی دست به دست هم داده تا اوکراینی‌ها شکست سنگینی را در ضد حملات خود در محورهای زاپروژیا و باخموت متحمل شوند. در این ضد حملات، ستون‌های زرهی اوکراین به شدت در برخورد با مین‌های روسی آسیب دید. پس از آن روس‌ها با استفاده از موشک‌های هدایت شونده ضد تانک (ATGM) و پهپادها، به مواضع نیروهای مهاجم اوکراینی یورش برده و خسارات سنگینی را بر آن‌ها وارد کردند. علیرغم برتری اطلاعاتی اوکراین در شناسایی اهداف به کمک سرویس‌های اطلاعاتی غربی و نیز بهره‌مندی از تجهیزات پیشرفته غرب، نیروهای اوکراینی نتوانستند بر تدابیر نظامی روس‌ها فایز آیند و با شکست سنگینی در ضد حمله خود مواجه شدند و نتوانستند در مواضع در اختیار نیروهای روسیه پیشروی کنند (عالی پور و زنگنه، ۱۴۰۱). طبق پیشبینی اوکراینی‌ها، منطقه روباتینه قرار بود در روز اول ضد حمله به کنترل نیروهای اوکراینی درآیند. اما این منطقه در پایان ماه آگوست، یعنی تقریباً پس از گذشت ۵۰ روز از ضد حمله اوکراین، به کنترل نیروهای این کشور درآمد. شرایط در منطقه شرق از این هم بدتر بود. چرا که نیروهای اوکراینی در ضد حمله خود تنها موفق به بازپس‌گیری مناطقی محدود از روستای ورمیوکا شدند و در جهت بازپس‌گیری باخموت، هیچ پیشرفت چشمگیری به دست نیاوردند (هدایتی شهیدانی و آذین، ۱۴۰۲). نکته جالب توجه اینجاست که در جبهه جنوب، نیروهای اوکراین حتی نتوانستند به استحکامات دفاعی معروف به خط سوروویکین نزدیک شوند و به غیر از بخشی از این استحکامات در منطقه روباتینه، سایر نقاطی که این استحکامات در آن قرار داشت، مورد تهاجم نیروهای اوکراینی قرار نگرفت. به همین دلیل، ضد حمله اوکراین به قدری ضعیف بود که عملاً خط سوروویکین نقش پررنگی در دفع ضد حمله

نیروهای اوکراینی نداشت. حتی شورش نیروهای واگنر در ۲۳ و ۲۴ ژوئن نیز، کمکی به پیشروی نیروهای اوکراینی نکرد و با سرکوب این شورش، استحکام خطوط دفاعی روسیه به وضعیت قبلی خود بازگشت (کلیم^۱، ۲۰۲۰). شکست ضدحمله تابستانی اوکراین در ژوئن ۲۰۲۳، تصورات مقامات اوکراینی را به کلی دگرگون کرد و غرور و اعتماد به نفس کاذب فرماندهان نظامی را در هم شکست. این شکست به چالشی اساسی و به یک بحران نظامی و سیاسی جدی در اوکراین مبدل گشت. از همین رو مقامات اوکراینی دریافتند که منابع و ابزار نظامی و اقتصادی کافی برای پیروزی بر روسیه را ندارند (کولایی و زنگنه، ۱۴۰۲). به همین دلیل، دور جدیدی از مذاکرات مقامات اوکراین با مقامات غربی بر سر دریافت کمک‌های بیشتر آغاز شد. اگر نتایج تحولات نظامی سال ۲۰۲۲ به نفع اوکراین بود و باعث افزایش اعتبار این کشور در نزد کشورهای غربی شد، شکست نیروهای اوکراینی در سال ۲۰۲۳، ضربه سنگینی به اعتبار و جایگاه اوکراین در نزد کشورهای غربی وارد کرد و همین امر منجر شد تا مقامات غربی با دید متفاوتی نسبت به تحولات جبهه‌های درگیری نظر کنند. تدارکات گسترده غرب برای ضد حمله اوکراین، با نتیجه مطلوبی همراه نبوده و این امر مقامات غربی را به شدت برآشفته. به نظر می‌رسد شرایطی که اوکراین در مقطع پیش از ضد حمله خود داشت، به هیچ عنوان دیگر تکرار نشود. بنابراین باید گفت که شاید اوکراین بزرگترین فرصت خود برای پیروزی در جنگ را، برای همیشه از دست داد (مطلب و همکاران^۲، ۲۰۲۲). فشار سنگینی که مقامات اوکراینی از جانب غرب متحمل می‌شدند باعث شد که نیروهای اوکراینی در سپتامبر و اکتبر ۲۰۲۳، حمله محدودی به منطقه کرینکی و برخی سرپل‌های رود دنیپر در جبهه خرسون داشته باشند. اما این حمله نیز عملاً با توفیق خاصی برای نیروهای اوکراینی همراه نبوده و در این جبهه نیز نیروهای اوکراینی متحمل شکست شدند (ابدالی محمودآبادی، ۱۴۰۱).

ناتوانی از وارد آوردن آسیب جدی به نیروهای روسیه

یکی دیگر از ابعاد شکست اوکراین در ضد حمله خود به مناطق تحت کنترل روسیه، ناتوانی از وارد آوردن آسیب جدی به نیروهای روسیه بود. در این ضد حملات، آسیب بسیار محدودی به نیروهای اصلی و ذخیره روسیه وارد شد و در مقابل تلفات نیروهای اوکراینی بسیار بالا بود. همین امر منجر به برهم خوردن توازن میان قوای روسیه و اوکراین شده و روس‌ها با خیالی آسوده‌تر، می‌توانستند خود را برای تهاجمات جدید آماده کنند. پیش از ضد حمله اوکراین، روس‌ها در ژوئیه ۲۰۲۳، حمله‌ای را در جهت کوپیانسک در جبهه شمال برای بازپسگیری بخشی از مناطق از دست رفته در منطقه خارکوف آغاز کردند. هرچند موفقیت روس‌ها در این حمله محدود بود، اما پس از شکست اوکراین در ضد حمله خود، اوکراینی‌ها در انجام ضد حمله گسترده و جدی جدید ناتوان شده و به همین دلیل ابتکار عمل به دست نیروهای روسی افتاد. به همین دلیل نیروهای روسی مجموعه‌ای از حملات را در تمامی نقاط درگیری از سر گرفتند و نیروهای اوکراینی ناچار شدند به حالت دفاعی بازگردند (سمیعی اصفهانی و فرحمند، ۱۴۰۱).

در اوایل اکتبر ۲۰۲۳، روسیه مهمترین حمله خود پس از ضد حمله اوکراین را آغاز کرد. فرماندهان روسی در آن مقطع حمله به شهر آودیفکا در حومه غربی دونتسک را هدف قرار دادند. این شهر از سال ۲۰۱۴ به شدت توسط نیروهای اوکراینی

¹ Clem

² Mottaleb et al

مورد تجهیز قرار گرفته بود و استحکامات دفاعی گسترده‌ای در این شهر بنا شده بود. نیروهای روسی در اوایل حمله، موفقیت‌های نسبتاً بزرگی در این منطقه به دست آوردند اما این موفقیت‌های محدود منجر به تسلط راهبردی بر این شهر نشد. علاوه بر این، نیروهای روسی در تمام خطوط نبرد شمالی، فشار گسترده‌ای بر مواضع نیروهای اوکراینی وارد کردند و به نیروهای اوکراینی از چند جهت فشار وارد آوردند. سناریوی جدید فرماندهان روسی در این مقطع ایجاد خطوط درگیری فراوان با نیروهای اوکراینی بود که این سناریو، نیروهای نظامی اوکراین را در چندین جهت درگیر کرده و تمرکز آن‌ها بر نقطه‌ای خاص را سلب می‌کند. درگیری با نیروهای اوکراین در خطوط درگیری گسترده با توجه به توازن قوایی که برای روسیه به وجود آمده بود، اکنون می‌توانست فشار مضاعفی بر نیروهای اوکراینی در تمام خطوط درگیری وارد آورده و تلفات انسانی زیادی برای ارتش اوکراین سبب شود. پیشبینی می‌شود که این استراتژی در بلند مدت، باعث تضعیف قوای اوکراینی شده و نفوذ روس‌ها در عمق مواضع اوکراینی‌ها را سرعت بخشد. با این حال، این استراتژی برای نیروهای مسلح روسیه نیز از نظر تلفات و هزینه منابع بسیار پرهزینه است و می‌تواند منجر به تلفات بیش از حد نیروها شود که ممکن است به نوبه خود حداقل بخشی از ابتکار عمل را مجدداً در اختیار طرف اوکراینی قرار دهد. احتمالاً این مسئله از محاسبات استراتژیک مقامات اوکراینی دور نخواهد ماند (جگتاپ و همکاران^۱، ۲۰۲۲).

خطوط درگیری گسترده، همراه با کمبود امکانات برای دو طرف، احتمالاً منجر به یک مبارزه طولانی بر سر تثبیت مواضع از سوی دو طرف درگیری شود. با گذشت حدود ۴ ماه از سال ۲۰۲۴، نیروهای روسی پس از تصرف شهر آودیوگا، تقریباً موفقیت‌های تاکتیکی خوبی به دست آورده‌اند و حتی توانستند بر شهر مارینکا نیز تسلط یابند، اما این که در ادامه آیا روس‌ها می‌توانند بر مناطق مهمی نظیر چاسویار تسلط پیدا کنند یا خیر، به عوامل متعددی بستگی دارد. در برهه کنونی، نیروهای مسلح روسیه ابتکار عمل را تقریباً در تمام خطوط درگیری در دست دارند و نیروهای مسلح اوکراینی به دفاع شکننده‌ای روی آورده‌اند که احتمال نفوذ روس‌ها به این مواضع دفاعی غیر مستحکم کاملاً محتمل است (شکوهی و کریمی پرشه، ۱۴۰۲). اما در برخی بخش‌ها هنوز هم خطوط دفاعی اوکراین از کارایی بالایی برخوردار است و نیروهای روسی به راحتی نمی‌توانند این خطوط را دچار آسیب کنند. نیروهای اوکراینی همچنین ذخایر قابل توجهی از سلاح‌های سنگین غربی را همچنان در اختیار دارند و در انتظار دریافت هواپیماهای جنگی غربی و جنگنده‌های F-16 هستند. اما چالش اصلی که مقامات اوکراینی با آن مواجه شده‌اند، جنگ رژیم صهیونیستی با حماس است که تمرکز مقامات غربی را از اوکراین متوجه رژیم صهیونیستی کرده است و همین مساله منجر به کاهش کمک‌های نظامی غرب به اوکراین شده است. هر چند مقامات ایالات متحده بسته کمک‌های نظامی جدیدی به ارزش ۶۱ میلیارد دلار به اوکراین را تصویب کردند، اما در عین حال عدم اطمینان از کارایی حجم بیشتر کمک‌های نظامی به اوکراین و در پیش بودن انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، مقامات این کشور را دچار تردید جدی در مورد ادامه کمک‌ها به اوکراین کرده است. همین مساله منجر شده است که مقامات اوکراینی چشم‌انداز روشنی نسبت به طرح ریزی عملیات‌های نظامی جدیدی در آینده نزدیک نداشته باشند و آن‌ها ناچارند تا صبر کرده و منتظر تغییرات مثبتی در آینده باشند. به نظر می‌رسد مشکل اصلی نیروهای مسلح اوکراین در خطوط درگیری در

¹ Jagtap et al

مقطع کنونی، نه فقط موضوع کمبود سلاح، بلکه عدم تمایل مقامات سیاسی این کشور برای آغاز ضد حمله‌ای گسترده باشد، چرا که واقعا از شکست دوباره در ضد حملات جدید وحشت دارند (کلانتری و محمدی منفرد، ۱۴۰۲).

در سمت دیگر درگیری، ولادیمیر پوتین با پیروزی قاطع در انتخابات ریاست جمهوری روسیه و تثبیت قدرت خود برای ۵ سال، شرایط مساعدی برای تداوم نبردها در خطوط درگیری با اوکراین داشته و حتی می‌تواند با فرمان جدید بسیج عمومی، شمار نظامیان درگیر در جنگ را افزایش داده و برتری کمی نیروهای روسیه در برابر نیروهای اوکراینی را افزایش دهد. ولادیمیر پوتین در ابتدای سال ۲۰۲۴ اعلام کرده بود که بیش از ۶۰۰ هزار نظامی روسیه در مناطق شمالی خطوط درگیری حضور دارند. از طرفی منابع اوکراینی در همین بازه زمانی اعلام کردند که حدود ۱.۱ میلیون نظامی اوکراینی در خطوط درگیری با روسیه حضور دارند (سیفی، ۱۴۰۲).

با پیشروی گسترده روس‌ها پس از تصرف شهر آودیوکا، به نظر می‌رسد روس‌ها به سطح بالایی از روحیه و تجربه رسیده باشند و شرایط بسیار مساعدتری نسبت به نیروهای اوکراینی داشته باشند (گرزیبک^۱، ۲۰۲۱). در مقابل نیروهای اوکراینی با تحمل تلفات بالا خصوصا در شهر آودیوکا، به نظر می‌رسد به شدت روحیه خود را از دست داده باشند و شرایط مناسبی برای ادامه جنگ در شرایط فعلی نداشته باشند. اما حضور لژیون‌های خارجی و ارسال گسترده تسلیحات غربی به اوکراین، می‌تواند شرایط جنگ را تغییر داده و اوضاع را برای طرف اوکراینی بهبود بخشد.

منابع

- ابوالحسن شیرازی. و جعفری فر، احسان. (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی سیاست خارجی روسیه در قبال قرقه‌باغ و اوکراین. فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، ۱۵(۲)، صص. ۳.
- ابدالی محمودآبادی، ابوالفضل. (۱۴۰۱). مناقشه روسیه و اوکراین/ پوتین در اوکراین به دنبال چه می‌گردد؟. نشریه فرهنگ دیپلماسی ۶. ۲۷-۰.
- رضاپور، دانیال؛ و مجیدی، ابوالفضل. (۱۴۰۰). جنگ هیبریدی روسیه در قبال جمهوری اوکراین با تاکید بر راهبرد اطلاعاتی. رعد ۹۱. ۶۷-۱۰۰.
- درج، حمید. (۱۴۰۱). تاثیر جنگ ۲۰۲۲ روسیه و اوکراین بر اقتصاد بین الملل. مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز ۱۱۸. ۳۷-۶۰.
- سیفی، بهزاد. (۱۴۰۲). جنگ روسیه و اوکراین از منظر حقوق توسل به زور. مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز ۱۲۱. ۱۰۷-۱۳۶.
- سمیعی اصفهانی، علیرضا؛ و فرحمند، سارا. (۱۴۰۱). جنگ روسیه _ اوکراین و آینده نظم بین المللی. مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز ۱۱۸. ۸۷-۱۱۳.
- شکوهی، سعید؛ کریمی پرشه، سجاد. (۱۴۰۲). جنگ هیبریدی روسیه در منازعه ۲۰۲۲ اوکراین. پژوهش‌های روابط بین الملل ۲. ۲۷۷-۳۰۱.
- طهماسب زاده، هانیه. (۱۴۰۱). جنگ روسیه و اوکراین و آینده برجام. نشریه فرهنگ دیپلماسی ۶. ۲۳-۰.

¹ Grzebyk

عالی پور، نعمت اله؛ و زنگنه، مهسا. (۱۴۰۱). شاخص های سهام بورس جهانی متأثر از جنگ اوکراین و روسیه جهت طراحی استراتژی های مالی موثر. سومین کنفرانس بین المللی ایده های نوین در مدیریت، حسابداری، اقتصاد و بانکداری. فرهودی زرنق، رامین. (۱۴۰۱). فرصت های ایران از جنگ روسیه علیه اوکراین. نشریه فرهنگ دیپلماسی ۶. ۲۰-۰. فلاحی، سپیده. (۱۴۰۱). تاثیر مناقشات ۲۰۱۴ و ۲۰۲۲ میلادی اوکراین و روسیه بر روابط روسیه و اتحادیه اروپا. چهارمین کنفرانس بین المللی و پنجمین کنفرانس ملی حقوق و علوم سیاسی. کولیوند، خلیل و ستاری خواه، علی. (۱۴۰۲). ترسیم سناریوهای محتمل فراروی جنگ روسیه و اوکراین در افق ۱۴۰۷. فصلنامه مدیریت نظامی، ۲۳(۹۰)، ۵۶-۲۵. کولایی، الهه؛ و زنگنه، سمیه. (۱۴۰۲). روابط ایران و روسیه پس از جنگ اوکراین. مطالعات بین المللی ۲. ۸۱-۱۰۱. کلاتری، فتح الله؛ و محمدی منفرد، حسن. (۱۴۰۲). نتایج جنگ روسیه و اوکراین در شکل گیری نظم نوین جهانی. مطالعات دفاعی استراتژیک ۹۲. ۱۷۸-۲۱۰. میری نام نیا، میالد. و امید، علی. (۱۴۰۱). نقش هویت فرهنگی در تشدید منازعه روسیه و اوکراین. فصلنامه علمی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۸(۱۱۹)، صص. ۱. نوروزی، دکتر فریبا، و سیف، دکتر سمیرا. (۱۴۰۲). تاثیر جنگ روسیه با اوکراین بر موضوعات کلیدی مندرج در گزارشات حسابرسی در اروپا. حسابداری ۳۴۸. ۷۴-۷۷. نوروزی، پژمان؛ هلالات، عماد؛ و مقومی، امیررضا. (۱۴۰۱). واکاوی جنگ روسیه و اوکراین از منظر امنیت هستی شناختی. مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز ۱۲۰. ۱۱۳-۱۳۵. هدایتی شهیدانی، مهدی؛ و آذین، صدیقه. (۱۴۰۲). تاثیر جنگ اوکراین بر نقش اتحادیه اروپا در رویارویی غرب با روسیه. مطالعات اوراسیای مرکزی ۳۳. ۳۷۳-۳۹۶.

Boiko ,M. (2020). THE IMPACT OF THE INFORMATION WAR ON RELATIONS BETWEEN RUSSIA AND UKRAINE.

Chen ,E. ,& Ferrara ,E. (2023 ,June). Tweets in time of conflict: A public dataset tracking the twitter discourse on the war between Ukraine and Russia. In Proceedings of the International AAAI Conference on Web and Social Media (Vol. 17 ,pp. 1006-1013).

Glebov ,S. V. (2020). Ukraine Between Russia and the West: Russian Challenge to Euro-Atlantic Security. Russia in the Changing International System ,153-168.

Grzebyk ,P. (2021). Escalation of the Conflict between Russia and Ukraine in 2022 in Light of the Law on Use of Force and International Humanitarian Law. Polish Yearbook of International Law ,41) ,145-162.

Bober ,V. Historical Origin of the Conflict Between Russia and Ukraine. Liubov Vasylyk. Hybrid Warfare as a Model of Conflict Communication: Ukrainian Context ,57.

Glebov ,S. V. (2020). Ukraine Between Russia and the West: Russian Challenge to Euro-Atlantic Security. Russia in the Changing International System ,153-168.

Jagtap ,S. ,Trollman ,H. ,Trollman ,F. ,Garcia-Garcia ,G. ,Parra-López ,C. ,Duong ,L. ,... & Afy-Sharah ,M. (2022). The Russia-Ukraine conflict: Its implications for the global food supply chains. Foods ,11(14) ,2098.

- Junaedi ,J. (2022). The impact of the russia-ukraine war on the indonesian economy. *Journal of Social Commerce* ,2(2) ,71-81.
- Khudaykulova ,M. ,Yuanqiong ,H. ,& Khudaykulov ,A. (2022). Economic consequences and implications of the Ukraine-russia war. *International Journal of Management Science and Business Administration* ,8(4) ,44-52.
- Lim ,W. M. ,Chin ,M. W. C. ,Ee ,Y. S. ,Fung ,C. Y. ,Giang ,C. S. ,Heng ,K. S. ,... & Weissmann ,M. A. (2022). What is at stake in a war? A prospective evaluation of the Ukraine and Russia conflict for business and society. *Global Business and Organizational Excellence* , 41(6) ,23-36.
- Lin ,F. ,Li ,X. ,Jia ,N. ,Feng ,F. ,Huang ,H. ,Huang ,J. ,... & Song ,X. P. (2023). The impact of Russia-Ukraine conflict on global food security. *Global Food Security* ,36 ,100661.
- Mottaleb ,K. A. ,Kruseman ,G. ,& Snapp ,S. (2022). Potential impacts of Ukraine-Russia armed conflict on global wheat food security: A quantitative exploration. *Global Food Security* ,35 , 100659.
- Mottaleb ,K. A. ,& Govindan ,V. (2023). How the ongoing armed conflict between Russia and Ukraine can affect the global wheat food security?. *Frontiers in Food Science and Technology* , 3 ,1072872.
- Orhan ,E. (2022). The effects of the Russia-Ukraine war on global trade. *Journal of International Trade ,Logistics and Law* ,8(1) ,141-146.
- Qureshi ,A. ,Rizwan ,M. S. ,Ahmad ,G. ,& Ashraf ,D. (2022). Russia-Ukraine war and systemic risk: who is taking the heat?. *Finance Research Letters* ,48 ,103036.
- Zhou ,X. Y. ,Lu ,G. ,Xu ,Z. ,Yan ,X. ,Khu ,S. T. ,Yang ,J. ,& Zhao ,J. (2023). Influence of Russia-Ukraine war on the global energy and food security. *Resources ,Conservation and Recycling* ,188 ,106657.